



بررسی تطبیقی آرای خواجه نصیرالدین و فارابی با تاکید بر زمینه تربیت اجتماعی و عاطفی در آموزش و پرورش

سمیه اسودی^۱، مریم صفری^۲، حسین فکوری^۳، علی اصغر بیانی^۴، محمدمهدی نادری^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

چکیده:

هدف از این تحقیق بررسی تطبیقی آرای فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی با تاکید بر زمینه تربیت اجتماعی و عاطفی در آموزش و پرورش بود. تحقیق کیفی بود که از روش تحلیل محتوا قراردادی استفاده شد. تحلیل محتوا شرح توصیفی، تحلیلی و ادراکی بر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، روش مناسبی برای تحلیل داده‌های کیفی می‌باشد. جامعه هدف شامل آثار مکتوب فارابی، خواجه نصیر طوسی بود. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند بود. حجم نمونه نیز شامل یک اثر از دو اندیشمند بود. تربیت اجتماعی و عاطفی با استفاده از ادبیات تحقیق گردآوری شده استخراج می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری بود. در این تحقیق اطمینان از صحت داده‌های کیفی پژوهش حاضر براساس معیارهای انتقال پذیری و تاییدپذیری صورت گرفت. جهت تایید پذیری کدها، زیر طبقات و طبقات استخراج شده در اختیار خبرگان دانشگاهی قرار گرفت تا درستی فرآیند را بررسی نمایند. داده‌ها با روش تحلیل محتوای قراردادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این روش کدها و طبقات به طور مستقیم و به صورت استقرایی از داده‌های خام استخراج شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی و پردازش نهایی با روش نظام مند صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که اصول تربیت اجتماعی از دیدگاه خواجه نصیر عبارت بودند از: همگانی بودن آموزش، تفرّد، اجتماعی شدن، ارتباطات، حقوق شهروندی. اصول تربیت اجتماعی در آرای فارابی عبارت بودند از: تربیت پذیری، کمال گرایی، جامعه محوری تربیت، تفاوت‌های فردی و همگانی بودن آموزش.

واژگان کلیدی: همگانی بودن آموزش، اصول تربیت اجتماعی، آموزش و پرورش، جامعه محوری تربیت.

۱- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران.

۲- استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر، safarimaryam2009@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران.

۴- دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران.

۵- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران.

مقدمه :

در دنیایی که همه ی مردم از تاثیر بد و مخرب انواع رسانه ها، دوستان، همسالان و در یک کلام اجتماع بر کودکان و نوجوانان خود شکایت می‌کنند و بسیار ناراحتند از این که تاثیر این عوامل مانع تربیت مطلوب فرزندان آن‌ها می‌شود؛ نیاز به یک راهکارو برنامه‌ی تربیتی کارآمد و مفید بیش از پیش احساس می شود برنامه ای که تمام جوانب زندگی آن‌ها و تمام مسائل را شامل شود و با ثبات و انعطاف پذیری خود ضمن تامین نیازهای روز فرزندان و والدین این امکان را به والدین بدهد که با هماهنگی اجتماع و نهادهای تربیتی فرزندان خود را آن گونه که می‌خواهند و به صلاح فرزندانشان است تربیت کنند. نظر به اینکه از راه تعلیم و تربیت می-توان موجبات رشد فردی و رفاه جمعی را فراهم نمود، این جریان در زندگی انسان نقشی مهم دارد. به طور کلی پرورش استعدادهای فردی، تحکیم پایه های زندگی جمعی، گسترش آرمانهای دموکراتیک و ایجاد تفاهم میان افراد انسانی در سایه تعلیم و تربیت صورت می گیرد. باتوجه به همین امر، تعلیم و تربیت مورد توجه اکثر مردم قرار دارد. نویسندگان شعرا، مصلحان اجتماعی، روشنفکران و فیلسوفان همه درباره تعلیم و تربیت بحث می‌کنند و هر دسته از روی تجربیات خود درباره ماهیت و نقش آن به گفتگو می‌پردازند. تعلیم و تربیت مورد تفسیرهای گوناگون قرار می‌گیرد. اکثر مردم درباره آدم با تربیت صحبت می‌کنند ولی غالباً یک یا چند جهت از خصوصیات فردی یا جمعی را در نظر دارند. پاره ای تعلیم و تربیت را با اخلاق خوب مترادف قرار می دهند. دسته‌ای اشخاص مبادی آداب را با تربیت تلقی می‌کنند. بعضی افراد روشنفکر را تربیت شده فرض می-نمایند. گاهی اشخاص دانشمند یا آنهایی را که در رشته-ای اطلاعاتی کسب کرده اند به عنوان افراد تربیت شده معرفی می‌کنند. زمانی سازگاری با جمع را دلیل با تربیت بودن تلقی می‌نمایند (شریعتمداری، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به‌روست، مسئله تربیت عاطفی است. عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است و به این سبب، تربیت عاطفی به عنوان مسئله ای مطرح است که نقطه-ی عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه‌ی عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی

انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد (شریعتمداری، ۱۳۷۹) با این حال، می توان گفت رشد و تکامل عاطفی یا هیجانی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع محیط تأثیر فراوان دارد و حتی یادگیری فراگیر نیز از حالات عاطفی تأثیر می پذیرد. علاوه بر اینکه ارتباط میان فراگیر با محتوای ، مربی و محیط نیز تابع پرورش عاطفی است، آنچه در قالب کمبود روحی و اخلاقی به شکل ناسازگاری با جامعه و ناآرامی و اضطراب، تحمل نکردن موفقیت دیگران و ایجاد موانع روحی و مادی بر سر راه آنان و یا افسردگی در جامعه دیده می‌شود، از نتایج ناآگاهی از این بعد است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

بنابراین می‌توانیم بگوییم که تربیت اجتماعی و عاطفی در جامعه بروز و ظهور دارد و بدون وجود بستر و زمینه‌ی مناسب، زحمات مربیان و دست اندر کاران تعلیم و تربیت بی‌نتیجه می‌ماند. در این میان دلسوزی و تلاش اندیشمندان و صاحب نظران و فلاسفه قابل تقدیر است. تقریباً همه مکاتب و دیدگاه‌های فکری، بخشی از توجه خویش را به تربیت معطوف داشته اند. یکی از راه های شناخت میزان کارآمدی هر دیدگاه می تواند نوع نگاه آن به ارکان این موضوع از جمله مبانی، اصول و اهداف تربیت باشد. پی بردن به وجوه اشتراک و رفع وجوه افتراق تا حد ممکن از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه مبادلات علمی و تقریب دیدگاه‌های تربیتی جوامع مختلف را فراهم سازد؛ چه اینکه ابنای بشر همواره باید در صدد سهیم شدن در عقول یکدیگر باشند و گوهر گرانبه‌های وقت را صرف تامل و تفکر برای گره گشایی در کارهایی کنند که هنوز توسط دیگران گشوده نشده است؛ لذا اطلاع از دیدگاه‌های گوناگون تربیتی در ابعاد مختلف، می‌تواند به این مهم کمک کند. (ندایی و کوهستانی، ۱۳۹۱). همواره بین عالمان صاحب نظر و انسانهای عادی در درک ماهیت تربیت اختلاف نظر وجود دارد، با این وجود، همه آنها، آن را امری ضروری و حیاتی می دانند. در باب اختلاف دیدگاه ها می تواند ما را در تشخیص رویکرد و رفع ابهام و عدم اختلاف بین آنها یاری سازد (ایران‌شهری، ۱۳۹۵). در این راستا فلاسفه مهمترین نقش را در تدوین مکاتب ایفا کرده اند. آنان با ارائه نظام خاصی که برگرفته از چگونگی تفکرشان به جهان هستی و انسان بوده است در صدد تبیین آرای تربیتی خود برآمده اند.

عاطفه را می‌توان پاسخ‌دهی هیجانی تعریف کرد که از روی حالت چهره و از جمله میزان و حدود رفتار بیانی فرد استنباط می‌شود. عاطفه را می‌توان در حد طبیعی، محدود، کند(کم‌روح) یا سطحی (بی‌روح) توصیف نمود. در محدوده بهنجار، عاطفه دامنه متنوعی از حالت چهره، لحن صدا، استفاده از دستها و حرکات بدنی مشاهده می‌شود. وقتی عاطفه محدود است حدود و شدت ابراز هیجان کاهش می‌یابد. به همین ترتیب در عاطفه کند ابراز هیجان بیشتر کاهش می‌یابد. برای تشخیص عاطفه سطحی باید هیچ نشانی از بیان عاطفی وجود نداشته باشد، یعنی صدای بیمار یکنواخت و چهره او بی‌حرکت باشد. روانپزشک باید به ناتوانی بیمار برای شروع، ادامه دادن یا قطع یک پاسخ هیجانی توجه کند» (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۷۸).

تربیت عاطفی

عواطف از ریشه " عطف " و به معنی مهر و علاقه خویشی و قرابت و شفقت است. در لغت گرایش‌های طرفینی و یا شیء به شیء دیگری را به ذهن متبادر می‌کند که با حب و علاقه یا کراهت و نفرتی همراه و لذت و الم را به دنبال دارد و پایه آن را تمایلات تشکیل می‌دهد(به نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

تربیت اجتماعی:

تربیت اجتماعی، جریانی است که طی آن نظام تربیتی حاکم بر جامعه هنجارها، مهارت‌ها، الگوها، انگیزه‌ها، طرز رفتارها، قواعد مورد نیاز افراد جامعه و روابط هر فرد را شکل می‌دهد، تا افراد بتوانند براساس آموخته‌های خود، ایفای نقش نمایند. «اجتماعی‌شدن، جریانی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای هر فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی و آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود» (تاج و میلبرن^۱، ۲۰۱۷).

اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت:

در ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که اگر به کسی بگویند تو بی‌تربیت و نادانی، بدش می‌آید و از اینکه چنین نسبتی به وی داده‌اند ناراحت می‌شود. پس درباره اهمیت چنین امری سخن گفتن و توضیح دادن مانند این است که کسی در وسط روز در وقتی که اشعه

در حقیقت فلاسفه با ارائه آرای تربیتی- آموزشی خود و اهداف و غایات آن و نیز با به چالش کشیدن اندیشه های تربیتی دیگر، همواره موثرترین عامل بر روند تربیت بوده اند به گونه‌ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش روش‌های آموزشی باید برخی از بنیان‌های فلسفی را پذیرفت (فرم‌هینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). در خصوص تربیت نفس انسانی است که از آن، به طور ارادی افعال جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد. و چون نفس ناطقه از امور مادی نیست، تربیت آدمی جز در آنچه به پرورش تن مربوط می‌شود و در آن تا حدی نشو و نما و افزایش ابعاد مادی وجود مورد نظر است، به معنای برکشیدن، قیمتی ساختن و به حداعتدال سوق دادن است؛ و چه بسا که صورت شیء در ظاهر خود تحت تاثیر تربیت تنزل کند(شکوهی، ۱۳۷۷). با توجه به آنچه بیان شد و از آنجایی که تحقیقات صورت گرفته به بررسی توأمان دیدگاه‌های غزالی، ابن سینا، خواجه نصیر و فارابی در زمینه تربیت اخلاقی و عاطفی نپرداخته اند و با توجه نقش و ضرورت پی بردن به وجوه اشتراک و رفع وجوه افتراق آرای تربیتی اندیشمندان گذشته که می‌تواند زمینه مبادلات علمی و تقریب دیدگاه‌های تربیتی جوامع مختلف را فراهم سازد؛ تحقیق حاضر با درک لزوم شفاف نمودن چنین تفاوت‌هایی به ارائه دیدگاه‌های تربیتی فارابی، ابن سینا، غزالی و خواجه نصیر که در شکل‌گیری ایده‌های تربیتی بعد از خود موثر بوده اند می‌پردازد. در این مقاله در پی پاسخی برای این سوال هستیم که با توجه به وجوه افتراق و اشتراکی که در آرای تربیتی این اندیشمندان در زمینه اصول تربیت اجتماعی و عاطفی وجود دارد چه الگوی تربیتی را می‌توان برای و پرورش ارائه داد؟

ادبیات نظری پژوهش:

تربیت

تربیت عبارت است از ایجاد تغییرات مطلوب در انسان و به عبارت دیگر: ایجاد تحولات ثمر بخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن و شکوفایی استعدادهای آدمی؛ و یا تربیت عبارت است از پروردن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب و انتقال طرز تفکر و احساس و عمل یک جامعه به آیندگان. (شکوهی، ۱۳۸۹).

عاطفه

¹ Taj and Milburn

شده احادیث»، به بررسی تعدادی از عامل‌های عاطفی تربیت فرزندان در خانواده می‌پردازد. شیوه انجام این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و متن حدیثی موجود مرتبط با پژوهش را بررسی کرده است. نتایج تحقیق او بیان‌کننده آن است که عامل‌هایی مانند هماهنگی بین ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی، تأمل از خود دانستن وجود فرزند، انسان دوستی، محبت، خوشخویی، اکرام و احترام متقابل، نیک‌اندیشی، گذشت و بخشش، از جمله عامل‌های تربیتی فرزندان در بنیاد خانواده اند که در آموزش‌های معصومین، بر آنها سفارش شده است.

کبیر (۱۳۹۴) از دیدگاه افلاطون بزرگ‌ترین وظیفه فرمانروایان هر جامعه، ایجاد کردن این شرایط به روشی است که زمینه‌ای باشد برای امکان رشد توانمندی‌ها و تکامل معنوی جامعه، یعنی رو کردن به ارزش‌های انسانی.

گلستانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان واگوی آراء تربیتی فارابی اشاره کرده است: فارابی هدف‌های تعلیم و تربیت را شامل هدف‌های جسمانی، ذوقی، اخلاقی، عقلانی و اجتماعی می‌داند. مضمون درس از نظر او به این شکل است که شخص را به شناختن خدا و نزدیک شدن به او، ایمان به او و اطاعت از فرمانهایش هدایت کند، سپس به شناخت خود شخص، به عنوان بنده و معلول پروردگار بپردازد. همچنین فارابی در شیوه تدریس به دو شکل برهانی و اقناعی توجه دارد.

جواهر فروش (۱۳۹۲) در پژوهش خود به نام نظرات تربیتی غزالی گفته است: تربیت از دیدگاه غزالی، انسان و هدف نهایی تربیت، کامل بودن اخلاق است که هدف نهایی دین مبین اسلام در هدایت انسان به سوی الله است و بر این اساس وی تربیت را تضمین شده برای سعادت دین و دنیا می‌داند و اعتقاد دارد که باید برای راحتی انسان تا ممکن می‌شود روشی بهتر از جنگ و آشوب کرد و ابتدا خود و سپس دیگران را از راه تعلیم و تربیت پاک ساخت.

زین العارفین (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان ارتباط اندیشه غزالی در تربیت اسلامی با آموزش مدرن بیان می‌دارد که مهم‌ترین تفکر غزالی در تربیت، تمامیت علوم دینی است. از نظر غزالی هدف غائی تربیت،

تابناک خورشید سراسر فضا را فرا گرفته، برای وجود خورشید و نتایج آن دلیل بیاورد (ایازی، ۱۳۷۷).

برای اینکه به اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت پی-ببریم باید موقعیتی را در نظر بگیریم که در آن زمینه تربیت، یعنی تأثیر دیگران، در انسان وجود نداشته باشد یعنی چنین فرض کنیم که تمام ساکنان کره زمین به جز کودکان متولد شده، به طور معجزه آسا به کره دیگر مسافرت کنند و نیز این کودکان به طریق غیر عادی تا بیست سال زنده بمانند و آنچه در نهاد آنهاست طبیعتاً بتدریج رشد نماید بدون اینکه تحت تأثیر مربی و معلمی قرار بگیرند. بدیهی است که پس از آن مدت انسانهای کره زمین شباهت تمام به حیوانات خواهند داشت: زیرا آنان تنها در دامان طبیعت پرورش یافته و کسی آنها را تربیت نکرده است علم، هنر، ادب، معنویت، فضیلت، انسانیت و رسوم اجتماعی در بین ایشان وجود نخواهد داشت آنچه از تمدن و وسایل و اسباب آن از قبیل کتاب و ماشین آلات و غیره روی کره زمین باقی مانده برای آنان نامفهوم است آیا کسی حاضر است که بشر تحت تعلیم و تربیت قرار نگیرد و نسل آینده‌اش چنین حالتی پیدا کند.

ملل متمدن امروز برای تعلیم و تربیت اهمیت بسزایی قائلند آن را در صدر اولویت‌های برنامه خود قرار می‌دهند و از امور زیربنایی و حیاتی به حساب می‌آورند. رفاه و عظمت هر جامعه با تعلیم و تربیت نسبت مستقیم دارد بدین معنی که هر اندازه سطح آموزش و پرورش مردم بالاتر باشد به همان اندازه آسایش و رفاه و سعادت بیشتری بر آن جامعه حکمفرماست. در دنیای کنونی مردم به این واقعیت پی برده‌اند که امکانات رشد به طبقه معینی اختصاص ندارد و از راه تعلیم و تعلم می‌توانند آنچه را که در زمان‌های گذشته به طبقه خاصی از جامعه تعلق داشت برای خودشان تامین کنند (ایازی، ۱۳۷۷).

پیشینه تحقیق:

زیباکلام (۱۳۹۶) از دیدگاه ابن‌سینا مهمترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن شخص و جامعه به خوشبختی و کمال می‌داند. از نگاه او مهمترین قسم آموزش و پرورش، آموزش عقلی است که در حقیقت پرورش فکر انسان است. او تعلیم و تربیت را رشد عقل و روشی برای رسیدن به خدا می‌دانست.

فقیهی و نجفی (۱۳۹۲). در مقاله ای با عنوان «عامل‌های تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برداشته

خارجی درزمینه تعلیم و تربیت و تربیت اجتماعی و عاطفی شناسایی، مورد بررسی و فیش برداری می شود. ۲- استخراج مولفه های تربیت عاطفی و اجتماعی: در این مرحله کلیه ی شاخص ها و مولفه های مرتبط . تربیت اجتماعی و عاطفی با استفاده از ادبیات تحقیق گردآوری شده استخراج می شود. ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری بود. در این تحقیق اطمینان از صحت داده های کیفی پژوهش حاضر براساس معیارهای انتقال پذیری و تاییدپذیری صورت گرفت. جهت تایید پذیری کدها، زیر طبقات و طبقات استخراج شده در اختیار خبرگان دانشگاهی قرار گرفت تا درستی فرایند را بررسی نمایند. برای تحلیل اسناد از تکنیک تحلیل محتوا قراردادی استفاده شد. روش تحلیل محتوا شرح توصیفی، تحلیلی و ادراکی بر داده های حاصل از کتب، روش مناسبی برای تحلیل داده های کیفی است. هر مبحث کلمه به کلمه نوشته و سپس کدگذاری شد و پس از تحلیل هر مبحث، مباحث بعدی انجام می گرفت. داده ها با روش تحلیل محتوای قراردادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این روش کدها و طبقات به طور مستقیم و به صورت استقرایی از داده های خام استخراج شدند (تسچ، ۲۰۱۳). تجزیه و تحلیل داده ها با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی و پردازش نهایی با روش نظام مند گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) صورت گرفت.

رسیدن به کمال انسانی است که منجر به تقرّب خود به سوی خداوند متعال می شود.

آتیک وارتینی (۲۰۱۵) در مقاله ای با عنوان خصوصیت تحصیلی از دیدگاه غزالی انجام داد. نگرانی- های پژوهشگر درباره افول اخلاق و شخصیت آموزش در کودکان و نوجوانان است. وی در این تحقیق بیان کرد: امام غزالی، یکی از رهبران اسلامی است و متفکری است که اثرهای معجزه آسایی دارد، یکی از اثرهای معروف او، ساخت و کار در آموزش اخلاقی و توصیف آن برای کودکان و نوجوانان است. وی بیان داشت رفتار آموزشی توسط غزالی تعریف شده است و مربوط به آموزش شخصیت برای کودکان و نوجوانان است. وی از این آموزش در دانشگاه اندونزی برای خصوصیات تحصیلی استفاده نمود.

روش پژوهش:

این تحقیق یک تحقیق کیفی بود که از روش تحلیل محتوا قراردادی استفاده شد. تحلیل محتوا شرح توصیفی، تحلیلی و ادراکی بر داده های حاصل از مصاحبه ها، روش مناسبی برای تحلیل داده های کیفی می باشد. جامعه هدف شامل آثار مکتوب فارابی، خواجه نصیر طوسی بود. روش نمونه گیری، نمونه گیری هدفمند بود که در جدول (۱) آمده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای بود. فرآیند گردآوری داده ها طی مراحل ذیل صورت گرفت: ۱- مرحله شناسایی و بررسی ادبیات تحقیق یعنی در این قسمت اسنادومدارک، کتابها ومقالات داخلی و

جدول ۱- لیست اسناد و کتاب ها

کد	سند	نویسنده	نام کتاب یا مقاله	جلد	سال
۱	کتاب	ابوعلی سینا	الهیات	۱	۱۳۸۳
۲	کتاب	غلامحسین دینانی	حکمت عملی	۱	۱۳۸۷
۳	کتاب	خواجه نصیر الدین طوسی	اخلاق ناصری	۱	۱۳۸۷
۴	کتاب	امام محمد غزالی	کیمیای سعادت	۲	۱۳۸۰
۵	کتاب	محمد غزالی	احیاء علوم الدین	۴	۱۳۵۲
۶	کتاب	محمد فارابی	احیاء العلوم	۱	۱۳۸۱
۷	کتاب	رضا داوری	فلسفه مدنی فارابی	۱	۱۳۵۴
۹	مقاله	یونس احمدی پور	مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا	-	۱۳۹۶
۱۰	مقاله	امیر آقاجانلو	محبت از دیدگاه علامه طباطبایی و ابوحامد غزالی	-	۱۳۸۹
۱۱	مقاله	حسن میرزا احمدی	بررسی آرا و اندیشه های تربیتی ابونصر فارابی	-	۱۳۸۴
۱۲	مقاله	مرتضی بحرانی	بدایت و نهایت دوستی مدنی در فلسفه فارابی	-	۱۳۹۳

یافته‌های پژوهش :

از تحلیل محتوای متون و اسناد ۴۷ مفهوم، ۲۵ مقوله فرعی و ۱۴ مقوله اصلی استخراج شد که در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴- کدگذاری آرای غزالی در باره اصول تربیت اجتماعی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	گزاره‌ها
اصل همگانی بودن آموزش	آموزش عمومی	عمومی بودن امر آموزش و پرورش	ارزش آموزش و پرورش می‌توان عمومی بودن آن را استفاده کرد (ک۵)
		طبقاتی نبودن امر آموزش	و اینکه تمام قشرهای جامعه به میزان استعداد و توان خود، باید از آموزش و اخلاق بهره‌مند شوند و این امر طبقاتی نبوده و مختص به افراد باهوش نیست (ک۵).
	آموزش انسان	نیاز انسان به تربیت کردن	مربی نیز نیازمند تربیت است، یعنی، او در مقام عامل، نیازمند است دیگری را تربیت کند نیازمندی او از راه تربیت و فرهیض دیگری (مربی) برآورده می‌شود و این یکی از دلایل عشق استادان بزرگ به شاگردان ممتاز خویش است (ک۵).
		عدم استثنا بودن معلم از آموزش	
اصل بقا	توجه به بقا	فرزند آوری	بقا طلبی که در قالب داشت فرزند تحقق می‌یابد (ک۵).
		پرورش فرزند	بقا طلبی که در قالب پرورش فرزند تحقق می‌یابد (ک۵).
	استمرار نسل	داشتن فرزند	بقا طلبی در تولید نسل تحقق می‌یابد (ک۵).
		استمرار فرزند	بقا طلبی در استمرار نسل تحقق می‌یابد (ک۵).
اصل کرامت ذات انسان	کرامت انسانی	نفس پاک	گوهر کودک پاک و نفیس است (ک۵). باید حقوق کودک را رعایت نمود (ک۵).
		رعایت حقوق ذاتی	پدر و مادر موظفند حقوق کودک را رعایت کنند (ک۵).
	لزوم احترام به انسان	لزوم احترام به کودک	کودک باید از احترام برخوردار باشد (ک۵).
		برخوردار از احترام	کودک باید از احترام بزرگترها برخوردار باشد (ک۵).
اصل پیرایش محیط	تاثیر از محیط	وراثت و محیط عوامل تاثیر گذار در تربیت	وراثت و محیط، اراده و خواست متری و عوامل فراطبیعی چون: خواست حضرت حق و فرشتگان و وحی نیز از عوامل دخیل در تربیت و سرنوشت انسان است و بدون آنها نمی‌توان در تربیت راستین ره به جایی برد (ک۵).
		تاثیر محیط بر ذات انسان	هنگام زادن هیچ نیک و بدی در او فعلیت ندارد. اما چون در محیط قرار می‌گیرد عوامل گوناگونی بر او موثر افتد (ک۵).
		تاثیر محیط مثبت	طبیعت انسان خواه ناخواه نیک و بد را از دیگران می‌ریابد (ک۵).
		تاثیر محیط منفی	اگر عوامل محیطی مثبت باشند صفات نیک در کودک احیا می‌شود (ک۵).
		تاثیر محیط بر اخلاق	اگر عوامل محیط منفی باشند صفات نیک مکتوم می‌ماند و صفات بد زمینه ظهور می‌یابد (ک۵).
	مدینه فاضله	جهتگیری تعلیم و تربیت بر اساس مدینه فاضله	چون کودک بزرگتر شد باید، مراقب بود او به کسان زن باره و شعر عاشقانه آلوده نشود (ک۵).
		جهتگیری آموزش و پرورش باید مدینه فاضله باشد (ک۵).	جهتگیری تعلیم و تربیت باید مدینه فاضله باشد (ک۵).
اصل مسئولیت اجتماعی	مسئولیت در جامعه	لزوم توجه به امر به معروف و نهی از منکر	جهتگیری و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باید مدینه فاضله باشد (ک۵).
		امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی	امر به معروف و نهی از منکر، رکن اعظم دین و همان امر مهمی است که خداوند همه پیامبران را برای آن فرستاده است (ک۵).
	امر به معروف و نهی از منکر	محتسب	امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی می‌خواند (ک۵).
		محتسب علیه	محتسب کسی است که حسب را اقامه می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر است (ک۵).
موعظه و اندرز	محتسب علیه	محتسب علیه کسی است که از منکر باز داشته یا به معروف خوانده می‌شود. شرط اول آن است که، فعلی که از آن باز داشته می‌شود باید در حق وی منکر به شمار آید، دوم آنکه، لازم نیست مکلف باشد، سوم آنکه تمیز هم در حق او شرط نیست (ک۵).	
		موعظه و اندرز	برای تحقق و اجرای روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر، از شیوه‌ها و فنون گوناگون تربیتی استفاده می‌شود، مانند: موعظه،

			پند و اندرز، تهدید، انذار، تشویق، تنبیه، محروم کردن، آموزش، تقویت و تضعیف انگیزه، رفع افسد به فاسد(ک۵)..
اصل تاثیر متقابل افراد بر هم	بهره مندی از افراد	همنشین خوب	همنشین خوب بسان عطاری است که دست کم می توان از بوی خوشش بهره گرفت(ک۵).
	جامعه پذیری	نقش پذیری	نقش پذیری درون کودک(ک۵).
		نقش پذیری در قلب	نقش پذیری قلب کودک(ک۵).
	نقش پذیری	نقش القا در تربیت	نقش القا کردن در تعلیم و تربیت
		نقش القا در تربیت	قسمت عمده‌ای از برتری‌ها و زشتی‌های حاصل شده از عادت، به خصوص در زمان کودکی است(ک۵).
		تاثیر افراد از یکدیگر	کسی که در پی خوشنویسی است ابتدا باید به دشواری بکوشد تا ظواهرش را با نگارش اسادش یکی کند این عمل رفته رفته در ظاهر فرد تغییر ایجاد می کند(ک۵)
		عادت علت سرشت	همه آسایش‌های جهان و هر چه در آن است به آن مشغول می شود و از آن خودداری می کند، بلکه چیزهایی که برعکس سرشت است به علت عادت - سرشت گردد(ک۵).
	تغییر پذیری	تغییر خلق	قابل تغییر بودن اخلاقی(ک۵)
		تاثیر خلق در تربیت	نقش خلق در تعلیم و تربیت(ک۵)
	تاثیر متقابل ظاهر و باطن	تاثیر روح بر بدن	روح و بر بدن اثر می کند(ک۵)
هر چه از بدن سر زند در دل موثر افتد(ک۵)			
تاثیر بدن بر روح			
اصل جامعه محوری تربیت	اداب اجتماعی	احترام	رفتار پدر با اعضای خانواده باید بر اصل کرامت استوار باشد(ک۵)
		محترم شمردن پدر	پدر به عنوان مدیر و مدبر خانه باید مورد احترام اعضای خانواده باشد و به امر و نهی او گوش فرا دهند تا خانواده سامان بگیرد(ک۵).
	آداب همسر داری	مشغول داشتن همسر	شوهر باید با برنامه ریزی صحیح خاطر همسر خویش را به تربیت فرزندان، خانه داری و شوهر داری مشغول دارد(ک۵).
		ریاست شوهر	در رابطه همسران رئیس خانواده با شوهر است . (ک۵)
		تکریم همسر	شوهر باید زن خود را احترام نماید و اگر بخواهد زن را به خوش رفتاری و رعایت احترام خود وادارد ، راهی به غیر از این ندارد
	تربیت اجتماعی افراد	نیاز جامعه به تربیت اجتماعی	جامعه علاوه بر این که نیازمند قانون است، به تربیت اجتماعی نیز نیازمند است(ک۵).
نیاز جامعه به قوانین اجتماعی		جامعه نیازمند قانون است، (ک۵).	
اصل مساوات	عدالت در جامعه	عدل بنیان جامعه	بنیان و قوام و عمران مدینه فاضله به عدل و داد است(ک۵)
		سهم افراد از خیرات جامعه	هر فردی از اهالی مدینه فاضله از امکانات، داراییها و خیرات جامعه سهم دارد. (ک۵)
	بهره مندی عادلانه از جامعه	بهره مندی از امکانات بر اساس استحقاق	رئیس مدینه فاضله باید متناسب با استحقاق هر فردی از افراد همه آنها را از این خیرات و امکانات بهره مند سازد، (ک۵)
		عدم محرومیت از سهم	زیرا محروم ساختن یا کاستن سهم هر فردی، ظلم به اوست(ک۵).
اصل جمع دنیا و آخرت	خوشبختی در آخرت	خوشبختی قیامت هدف از تربیت	هدف اصلی و نهایی از تربیت به دست آوردن «خوشبختی آخرت» است(ک۵)
		راخ خوشبختی داشتن زندگی	و راه رسیدن به خوشبختی قیامت، بر خورداری از زندگی همراه با خوشبختی در جهان است. (ک۵)
	آخرت گرایی	توجه به آخرت	دنیا مزرعه ای برای آخرت است (ک۵).
		جهان مزرعه آخرت	نگاه به جهان به مانند مزرعه و محل کاشتن و کشاورزی برای دنیای آخرت است. (ک۵)
لزوم همراهی علم و عمل	عملگرایی	توجه به عمل	علم بر عمل مزیت دارد(ک۵)
		رسیدن از فکر به عمل	علم ارجمندتر از عمل است عمل خدمتگذار علم به حساب می آید بعد از گذشت مراحل تجربه و کشف، می توان از فکر به عمل می - رسد(ک۵)

	توجه به علم و عمل	علم بالاتر از عمل	علم بر عمل مزیت دارد(ک۵)
اصل تدریج	رشد تدریجی	تدریجی بودن شکل‌گیری شخصیت	شکل‌گیری مرحله‌ای شخصیت(ک۵)
		تدریجی بودن رشد	تدریجی بودن رشد کودک لازمه حیات انسان است. (ک۵)
		توجه به مراحل متفاوت رشد	توجه به مراحل متفاوت رشد در زمان تشویق، از نکات مهمی است که باید مد نظر قرار گیرد. (ک۵)
		تدریجی بودن صفات انسانی	خداوند همه صفات و نیروهای انسانی را بود و نمود تدریجی بخشید(ک۵)
		قدرت فراگیری	مربیان قدرت فراگیری دانش آموزان را در نظر گیرند. (ک۵)
اصل تفرد	تفاوت افراد	تفاوت در استعداد	وجود افتراق‌های افراد(ک۵)
			برخی خودبخود می‌فهمند و پاره‌ای چنان‌اند که با آموزش هم نخواهند فهمید (ک۵)
			آموزش هر کسی باید در خور سن و نیروهای سرشتی وی باشد(ک۵)
			تفاوت در سرشت
		تفاوت روح افراد	. هر کس همان است که روح اوست(ک۵). اگر بنا بود کسان هم‌الان باشند و جملگی یک یار کنند زندگی مختل بود. تفاوت‌های سرشتی روح را نباید انکار کرد(ک۵).
		عدم انکار سرشت	
اصل توجه به همه‌ی ابعاد وجودی متربی	تشویق	ادب با ترس و تشویق	بر معلم کودکان است که آنها را به ترس و تشویق ادب کند، نه بر جرح و عذاب دادن(ک۵)
		هدیه دادن	چون کودک کار خوب انجام دهد و سرشت خوب در او ایجاد شود او را بر آن تشویق کند و به او هدیه‌ای دهید که با آن شاد شود و در نزد انسانها بر وی سپاس گویند. (ک۵).
	نقش مربی	لزوم تربیت مربی	ضروری است کسانی که تربیت یافته‌اند و توانایی دارند تربیت کودک را برعهده گیرند(ک۵).
		مربی آموزش دیده	
اصل فعالیت	جنب و جوش	توجه به بازی	اگر کودکی از ما بپرسد که خوشی رهبری و سلطنت و کشور داشتن چگونه خوشی است، به او می‌گوییم: مانند خوشی چوگان‌بازی کردن و گلوله بازی کردن که او غیر از این خوشی نمی‌بیند و هر چیزی که برای او نباشد، به مقایسه آن می‌تواند شناخت که وی را باشد(ک۵).
		برابری بازی با کشورداری	اگر کودکی از ما بپرسد که خوشی رهبری و سلطنت و کشور داشتن چگونه خوشی است، به او می‌گوییم: مانند خوشی چوگان‌بازی کردن و گلوله بازی کردن(ک۵).
	تلاش	انگیزه حقیقت	می‌خواهی راز سخن رسول خدا که فرمود پس قلب قرآن است را بدانی؟ اما بهتر است این را به خودت واگذار کنم تا خود آن را دریابی. با این کار انگیزه ات برای دریافت کشف حقیقت بیشتر می‌شود(ک۵).
		جستجوی حقیقت	کودک باید خودجوش باشد و بیاموزد که چگونه باید آموخت(ک۵).

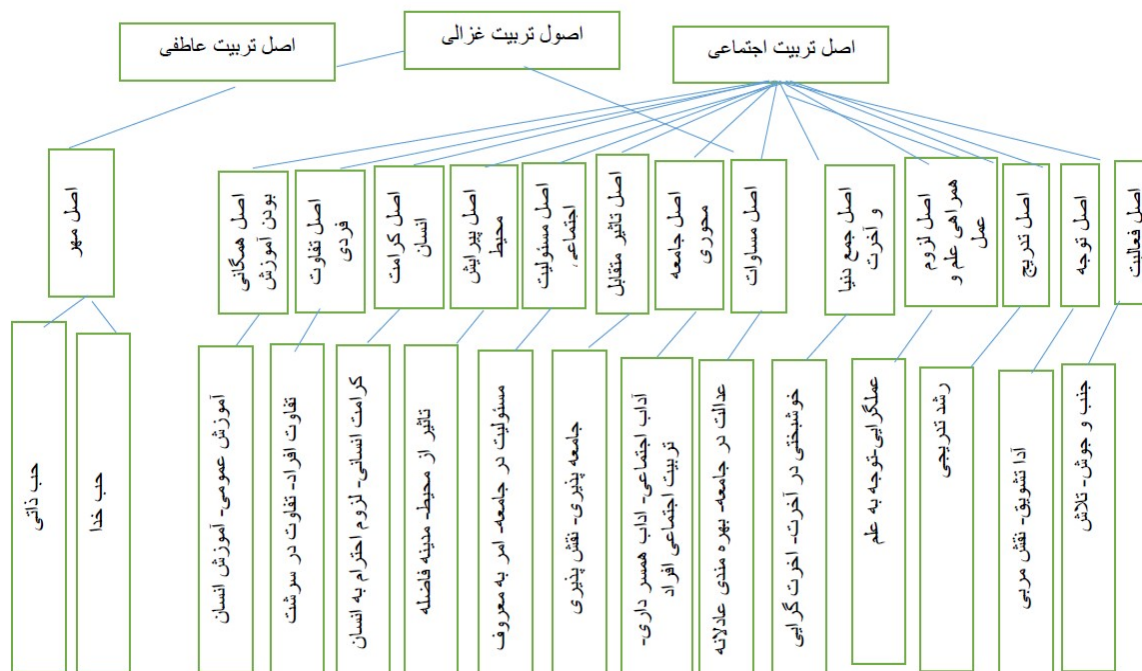
از تحلیل محتوای متون و اسناد ۱۳ مفهوم، ۳ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی استخراج شد که در جدول (۵) آمده است

همانگونه که در جدول (۴) آمده است از جمله مقوله‌های اصلی در آرای غزالی در خصوص اصل تربیت اجتماعی شامل اصل همگانی بودن آموزش، اصل بقا، اصل پیرایش محیط، اصل مسئولیت اجتماعی، تاثیر متقابل افراد بهم، اصل جامعه محوری تربیت، اصل مساوات، اصل جمع دنیا و آخرت، اصل لزوم همراهی علم و عمل، اصل تدریج، اصل توجه به همه‌ی ابعاد وجودی متربی، اصل تفرد و اصل فعالیت است.

جدول ۵- کدگذاری آرای اصول تربیت عاطفی غزالی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	گزاره ها
اصل مهر	حب ذاتی انسان	خود انسان اولین محبوب	نخستین محبوب آدمی خود اوست و معنای دوستی خود، آن است که انسان به طبع خواهان ماندگاری است (ک۵).
		غریزی بودن محبت	دوستی بودن و کمال آن غریزی ماست و به حکمت در آدمی نهاده شده است (م۱۰).
		دوستدار کمال خود	انسان چون خود و تعالی خویش را دوست دارد، هر آنچه به ماندن و کمال او انجامد نیز محبوب اوست، (ک۵).
		دوست داشتن فرزند	دوستی فرزند از آنروست که هستی فرزند به دیرند وجود انسان می انجامد (ک۵).
		جاودانگی در وجود فرزند	درد جاودانگی درمان ندارد، مگر به وجود فرزند، با وجود اوست که این درد آرام می گیرد (ک۵).
		حب والدین یک حب ذاتی	چون خود دوستی ذاتی اوست، گویی میل به تربیت فرزند نیز سرشت آدمی است، و همین است که هرگز پدر و مادر نسبت به فرزند هر ماهه که پیشرفت کند و فرهی یابد حسادت نمی ورزند، حسادت به خویش معنا ندارد. (ک۵).
		عمومیت عشق	عشق به نوع انسان بستگی ندارد، بلکه در همه موجودات اعم از افلاکیان و عنصرها و جماد سه گانه معدن، نبات و حیوان و دیگر هستی ها و موجودات جاری و روان است (م۱۰).
	حب خدا	اتصال به مهربانی خدا	مرکز تربیت را حرکت روح و باطن انسان به سمت حق و هدف اصلی تعلیم و تربیت را وصل شدن به مهربانی و خداوند است (ک۵).
		عشق خدا به خود بالاترین عشق	عشق خداوند به خود این عشق، بالاترین مرحله از مراحل عشق است (م۱۰).
		عشق به خدا	عشق جواهر عقلی به سرشت خداوند و به سرشت خود این عشق دومین مقام از مراحل عشق است (م۱۰).
		عشق عشاق	عشق عاشقان مشتاق ایشان از جهت که عاشق هستند، چیزهایی را پیدا کرده اند و از آن لذت می برند و از آن لحاظ که راغب، دچار زحمت هستند (م۱۰).

همان‌گونه که در جدول (۵) آمده است از جمله مقوله های اصلی در آرای غزالی در خصوص اصل تربیت عاطفی شامل اصل مهر است. در شکل (۱) الگوی تربیت اجتماعی و عاطفی از نظر غزالی آمده است.



شکل ۱- اصول تربیت اجتماعی و عاطفی از دیدگاه غزالی

جدول ۶- کدگذاری آرای خواجه نصیر درباره اصول تربیت اجتماعی

مقوله اصلی	مقوله قرعی	مفاهیم	گزاره ها	
اصل همگانی بودن آموزش	آموزش های عمومی	آموزش های عمومی دوره طفولیت	برای دوره طفولیت، آموزش های عمومی مثل نحوه غذاخوردن، طریقه لباس پوشیدن، نحوه احترام به دیگران است (ک 3). از همه مهم تر، بازی کردن کودک مطرح است (ک 3).	
		آموزش دروس عمومی	آموزش قته و حدیث و علوم قرآنی به عنوان دروس عمومی محیط های آموزشی مطرح است (ک 3).	
	آموزش قنون	آموزش قنون با بازی	منظور از آموزش علمی، آموزش علم اخلاق و علوم نظری است و در این دوره نیز بازی برای رفع خستگی از تحصیل ضروری است (ک 3). آموختن فن یا علمی برای اشتغال و خدمت به مردم مطرح است (ک 3).	
		آموزش فن برای اشتغال	خداوند همه صفات و نیروهای انسانی را نمود تدریجی بخشید (ک 3). تفاوت های سرشتی روح را نباید انکار کرد (ک 3).	
اصل تفرد	توجه به استعداد ذاتی	تفاوت در سرشت	به تفاوت ها توجه داشته باشید (ک 3). افراد دارای تمایز های فردی هستند (ک 3).	
	توجه به استعداد فردی	توجه به تفاوت های فردی	قوای روحی به آمستگی ظهور و بروز می کنند (ک 3). بروز آهسته روح (ک 3). شکل گیری مرحله ای شخصیت (ک 3). باید به رشد کودک توجه داشت (ک 3).	
اصل تدریج	تدریجی بودن	تدریجی بودن قوا	شکل گیری مرحله ای شخصیت (ک 3). باید به رشد کودک توجه داشت (ک 3).	
		تدریجی بودن شخصیت		
اصل اجتماعی شدن	آداب غذا خوردن	بازی و آداب غذا خوردن برای کودکان	برای دوره طفولیت، آموزش های عمومی مثل نحوه غذاخوردن، طریقه لباس پوشیدن، نحوه احترام به دیگران است (ک 3). از همه مهم تر، بازی کردن کودک در طفولیت مطرح است (ک 3).	
		اعتدال در شوخی	به شرطی که به اقراط یا تفریط کشانده نشود، زیرا شوخی و مزاح نیز مانند سایر اخلاق دارای دو طرف اقراط و تفریط است (ک 3). «مزاح و شوخی» اگر به اندازه اعتدال باشد پسندیده است (ک 3). شوخی برای کسانی که نمی توانند حد اعتدال آن را رعایت کنند جایز نیست (ک 3).	
	آداب شوخی	جایز نبودن شوخی برای اقراط گراها	زیادای خوردن و آشامیدن و لباس قاهر پوشیدن را نزد او بی ارزش و پرهیز از حرص بر لذت و ایثار کردن را نزد او ارزشمند جلوه دهند (ک 3). اگر کار خوبی کرد او را تشویق و اگر مرتکب کار بدی شود او را توبیخ نمایند	
		آداب پوشش	تنبیه و تشویق	او را از همتشینی با افرادی که خوب تربیت نشده اند، بزرگ شده اند دور نگه دارند (ک 3). به او یاد دهند که در مقابل بزرگترها جواب ندهند و سکوت کنند و گوش دادن به سخنان بزرگان بدهند (ک 3).
	آداب اجتماعی	عدم اهمیت به لباس و غذا	تنبیه و تشویق	او را از همتشینی با افرادی که خوب تربیت نشده اند، بزرگ شده اند دور نگه دارند (ک 3). به او یاد دهند که در مقابل بزرگترها جواب ندهند و سکوت کنند و گوش دادن به سخنان بزرگان بدهند (ک 3).
			عدم آموختن آداب ناشایست	

	آداب راه رفتن	با کندی و آهستگی بیش‌ازحد راه نرود که علامت کسالت و تنبلی است. مانند متکبران و خودخواهان. خرامان خرامان راه نرود. (ک 3).	
		هنگام راه رفتن به پشت سر خود نگاه نکند که کار احمقان است. (ک 3).	
		اگر انسان از دوست خود عیبی ببیند باید با وی مدارا کند ولی به گونه‌ای لطف‌آمیز و با ظرافت او را متوجه عیب خویش بنماید. (ک 3).	
		با «متکبران» نباید متواضعانه برخورد کند، بلکه بایستی مانند آن‌ها با تکبر و تیختر رفتار کند تا از تکبر و ورزیدن دست بردارند. (ک 3).	
		با «همسایه بد و اقوام ناسازگار» باید مدارا کرده و صبر و سازش پیشه کند و از این نکته غافل نباشد که لثیمان به جسم صبورترند و کریمان به روح. (ک 3).	
		باید طمعکاران را از طمع بازداشت و از کمک به آن‌ها خودداری کرد تا شاید دست از این عمل بردارند. (ک 3).	
	آداب ارتباط با دیگران	به نیازمندان واقعی باید کمک و با آن‌ها همدردی نموده و در امور زندگی آن‌ها را یاری رسانید و تا وقتی که موجب اختلال در امور خود و خانواده خود نشود، به آن‌ها ایثار کرد. (ک 3).	
		ضعیفان که باید دست آن‌ها را گرفته و برایشان ترحم نمود. (ک 3).	
		مظلومان که باید آن‌ها را کمک و اعانت کرد. (ک 3).	
	آداب کمک کردن	در تربیت وی همت گمارده و بهترین اخبار و اشعاری را که از آداب نیکو سخن می‌گویند به او یاد داده تا حفظ کند. (ک 3).	
		انسان نباید زیاد سخن بگوید. (ک 3).	
		انسان با سخن خود، گفتار دیگری را نباید قطع کند. اگر کسی مطلبی را نقل می‌کند و انسان از قبل آن را می‌دانسته اطلاع خویش را اظهار ننماید. (ک 3).	
آداب سخن گویند	کمک به مظلوم	مطلوبان که باید آن‌ها را کمک و اعانت کرد. (ک 3).	
	نیکو سخن گفتن	در تربیت وی همت گمارده و بهترین اخبار و اشعاری را که از آداب نیکو سخن می‌گویند به او یاد داده تا حفظ کند. (ک 3).	
		انسان نباید زیاد سخن بگوید. (ک 3).	
		انسان با سخن خود، گفتار دیگری را نباید قطع کند.	
		اگر کسی مطلبی را نقل می‌کند و انسان از قبل آن را می‌دانسته اطلاع خویش را اظهار ننماید. (ک 3).	
	آداب سخن گویی	آداب سخن گویی	اگر چیزی را از دیگری بپرسند انسان نباید جواب بدهد و اگر از جمعی که وی در آن جمع است سوالی بکنند در جواب گفتن از دیگران سبقت نجوید. (ک 3).
			با بزرگان سخن با کنایه بگوید. (ک 3).
		صدای خود را بلند و یا آهسته ننماید بلکه معتدل سخن بگوید. (ک 3).	
		اگر کسی با او سخن می‌گوید تا به‌طور کامل نگفته است پاسخ ندهد. (ک 3).	
		حرف خود را تکرار نکند مگر آنکه به تکرار نیاز باشد. (ک 3).	
		در هر مجلسی مناسب شأن آن سخن بگوید. (ک 3).	
		حرکات و گفتار و کردار دیگران را تقلید نکند. (ک 3).	
آداب نشست و برخاست	عدم همنشینی با بی ادبان	او را از همنشینی با افرادی که خوب تربیت نشده اند، بزرگ شده‌اند دور نگه دارند. (ک 3).	
	آداب نشست و برخاست	روش برخورد‌های اجتماعی مانند طریقه صحیح نشستن و بلند شدن و سخن گفتن را به او آموزش دهند. (ک 3).	
	آداب نشست و برخاست	به‌غیر از محضر بزرگان و یا پدر و یا کسی که به‌منزله اینهاست دو زانو ننشینند.	

		گردن خود را کج نکنند و با ریش خویش و سایر اعضای بدن بازی نکنند(ک 3).
		انگشت در دهان و بینی خود نکنند(ک 3).
		از انگشت و گردن خود صدا درنیابرد(ک 3).
		از دهن درّه و خمیازه کشیدن بپرهیزد(ک 3).
		آب بینی و آب دهان خود را در حضور دیگران نیندازد و اگر ناچار شد به گونه‌ای که کسی نفهمد انجام دهد(ک 3).
		با دست و پا سر آستین خود، آب بینی و دهان را پاک نکنند(ک 3).
		از آب دهان انداختن زیاد پرهیز کند(ک 3).
		در هر مجلسی که وارد می‌شود رتبه خود را حفظ کرده و بالاتر یا پایین‌تر ننشیند(ک 3).
		در حضور مردم نخواهد(ک 3)...
		اگر در جمعی بود و چرت بر او غالب شد، در صورت امکان جلسه را ترک کند و گرنه با سخن گفتن و فکر کردن چرت را از سر خود بیرون کند(ک 3).
		اگر در جمعی بود و آن‌ها تمایل به خوابیدن داشتند او نیز موافقت کند و یا از میان آن‌ها بیرون رود و به حال بیدار ننشیند(ک 3).
		به «ناصحان»، یعنی کسانی که به همه نصیحت می‌کنند خدمت شایسته کند و با آنان رقت‌وآمد نموده و بر سخنان آن‌ها ترتیب اثر داده و هنگام ملاقات با آن‌ها اظهار شادی و سرور کند، ولی در قبول و پذیرش سخن اقراء شتاب به خرج ندهد(ک 3).
		صالحان»، یعنی کسانی را که بین اقراء ایجاد صلح و صفا می‌کنند، از روی خیرخواهی مدح و ثنا گفته و آن‌ها را تعظیم نموده و خود را شبیه به آن‌ها بسازد، زیرا روشی دارند که نزد همه پسندیده و شایسته است(ک 3).
		با «دانشمندان» باید آمدورقت و معاشرت داشته و از وجود آن‌ها استفاده کرده و کمک و مساعدت به آن‌ها را غنیمت بشمارد و بگوید تا از زمره آنان باشد.
		در رسیدن به کمال به تعاون و کمک یکدیگر نیازمند می‌باشند و لذا کمال و تمامیت هر فرد در گرو وجود دیگران خواهد بود(ک 3).
		پس باید با دیگران معاشرت به صورت همکاری داشته باشد و گرنه از عدالت منحرف و به ستمگری متصف می‌گردد(ک 3).
		انسان با دوستان نازآمده کمتر آمدورقت داشته باشد، چراکه این دسته از اقراء به منزله نمک و سبزی سفره هستند که گرچه غذا به آن‌ها نیازمند است، ولی نمی‌توانند جای غذا را بگیرند(ک 3).
		دوستان حقیقی به دلیل آنکه انسان شریف کمیاب است، از نظر عدد کم و به همین دلیل ارزشمند می‌باشند(ک 3).
		«مدینه ضرورت» جامعه‌ای است که هدف اقراء آن جامعه، تعاون و همکاری با یکدیگر است(ک 3).
		شدت علاقه به فضایل نباید باعث پرداختن به عیب‌های کوچک دوستان و تجسس در مورد آن‌ها گردد(ک 3).
اصل حقوق شهروندی	دخالت در امور دیگران	عدم تجسس در عیوب
اصل جامعه پذیری	لزوم ارتباط و مشارکت	کمال انسان در گرو ارتباط
	چگونگی ارتباط و مشارکت	عدم ارتباط با دوستان نا آزموده
		مدینه ضرورت نیاز به تعاون

	رعایت حق	عدم دشمنی با دوست	از دشمنی با کسی که با او سابقه دوستی یا رقت‌وآمدی داشته پرهیز نماید.
		ادای حق دوستان	بعد از یافتن دوست، لازم است که حال او را مراعات و از او دلجویی قراوان نموده و هیچ حقی از حقوق او را گرچه کوچک باشد نادیده نگیرد(ک 3).
		عدم جدال با دوستان	مراء و جدال با هرکسی ناپسند و به خصوص با دوستان نکوهیده‌تر است، چراکه با این عمل، محبت ریشه‌کن خواهد شد(ک 3).
		عدم خسادت در آموزش به دوستان	انسان باید در تعلیم علم و ادبی که خود بدان آراسته و همچنین حرقه و صنعتی که خود ماهر است نسبت به دوستان بخل نورزیده و به گونه‌ای انحصارطلبانه رفتار نکند(ک 3).
		عدم بازگویی عیوب دوستان	نباید اجازه دهد که عیب متعلقین و بستگان دوستان را بازگو کنند تا چه رسد به خود آن‌ها(ک 3).
	رازداری	عدم بازگو کردن اسرار یا دوست‌نماها	معاشرت با «دوستان غیر حقیقی» که خود را شبیه به دوستان واقعی درآورده‌اند و از ریاکاری و چاپلوسی منزّه نمی‌باشند، باید با اخلاق نیکو و حتی‌الامکان با احسان و دلجویی و مدارا و صبر و برخورد‌های ظاهری خوب باشد، ولی بایستی انسان اسرار و عیوب خود را از آن‌ها مخفی بدارد(ک 3).

از تحلیل محتوای متون و اسناد ۴۲ مفهوم، ۲۰ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی استخراج شد که در جدول (۶) مشخص است.

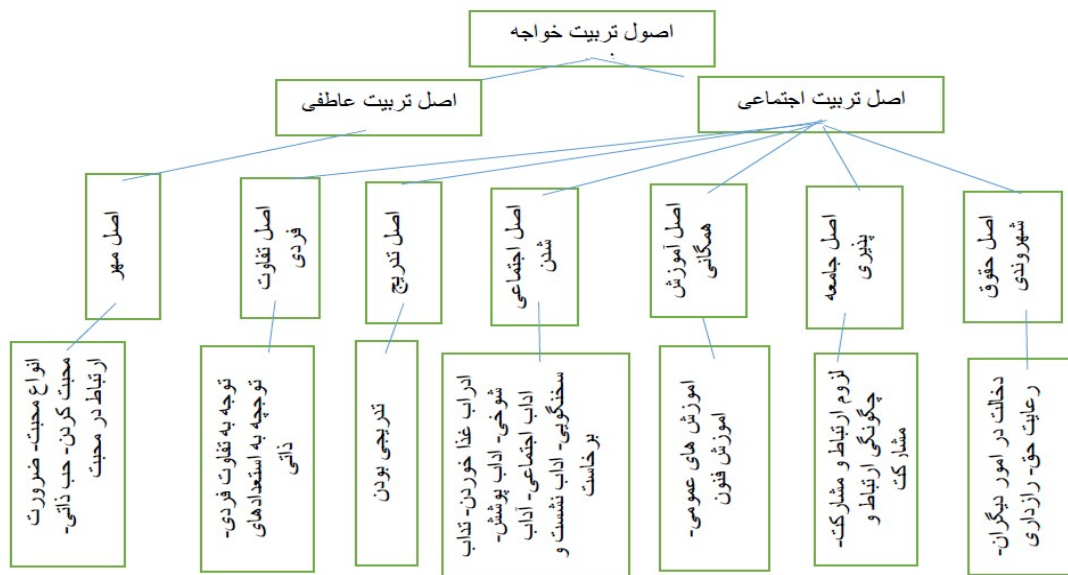
همان‌گونه که در جدول ۶-آمده است از جمله مقوله-های اصلی در آرای خواجه نصیر در خصوص اصل تربیت اجتماعی شامل اصل همگانی بودن آموزش، اصل تفرد،

جدول ۷- کدگذاری آرای خواجه نصیر در باره اصول تربیت عاطفی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	گزاره ها
اصل مهر	انواع محبت	انواع محبت	محبت در انسان‌ها بر دو نوع است: ۱- طبیعی ۲- ارادی
		انواع محبت ارادی	«محبت ارادی» بر چهار قسم است (ک ۳).
		محبت زودگذر	سریع العقد سریع الانحلال (زود آمده و زودگذر)
		محبت دیرگذر	بطئی العقد والا نحلل (دیر آمده و دیرگذر)
		محبت دیرآمد و زودگذر	بطئی العقد و سریع الانحلال (دیر آمد و زودگذر)
		محبت زودآمده و دیرگذر	سریع العقد و بطئی الانحلال (زود آمده و دیرگذر)
		لذت از نوع محبت زودگذر	«لذت» موجب عشق زود آمده و زودگذر است، زیرا لذت همه جا یافت شده و به سرعت تغییر پذیرفته و منتقل می‌گردد (ک ۳).
		منفعت رسانی از نوع محبت دیر آمده و زودگذر	منفعت رسانی «موجب محبت دیر آمده و زودگذر می‌باشد، چون کمتر کسی اقدام به منفعت رسانی به غیر می‌کند ولی سریعاً از دست می‌رود»
		خیر از محبت زود آمده و دیرگذر	«خیر» موجب محبت زود آمده و دیرگذر است چراکه هماهنگی ذاتی بین اهل خیر موجب پدید آمدن سریع محبت و لازمه ماهیت خیر یعنی اتحاد حقیقی و عدم انکساک، موجب پایداری محبت می‌گردد. (ک ۳).
ضرورت محبت کردن	محبت با دوستان	محبت با دوستان	انس و محبت با دوستان واقعی و مزاح معقول و پسندیده است (ک ۳).
		محبت بالاتر از عدالت	«محبت» از عدالت بالاتر است (ک ۳).
	حب ذاتی	محبت مادر از نوع محبت طبیعی	محبت طبیعی مثل محبت مادر به فرزند خود که اگر این محبت را نداشت او را پرورش نمی‌داد (ک ۳).
		محبت پدر به فرزند به دلیل حق داشتن	پدر از آن جهت فرزند خود را دوست می‌دارد که برای خود بر گردن وی حقی بزرگ می‌بیند و لذا به یک اعتبار شبیه به محبت پادشاهان است ولی از لحاظ دیگر می‌توان گفت که محبت او نسبت به فرزند خود، ذاتی است، زیرا او را در حقیقت جان خود دانسته (ک ۳).
		پیدایش فرزند دلیل محبت می‌داند (ک ۳).	علت دیگر محبت پدر نسبت به فرزند آن است که خود را سبب پیدایش فرزند می‌داند (ک ۳).
		محبت فرزند نسبت به پدر کمتر از محبت پدر نسبت به اوست، زیرا او معلول و نتیجه پدرش می‌باشد (ک ۳).	محبت فرزند نسبت به پدر کمتر از محبت پدر نسبت به اوست، زیرا او معلول و نتیجه پدرش می‌باشد (ک ۳).
		محبت برادر علت مشترک داشتن	محبت برادران با یکدیگر از این جهت است که «علت مشترک» دارند. (ک ۳).
		محبت به والدین پایبندتر از محبت به خدا	ارزش محبت به والدین در مرحله پس از محبت به خداست (ک ۳).
		محبت به معلم بین محبت خدا و والدین	محبت به معلم و آموزگار که حد متوسط بین این دو می‌باشد (ک ۳).
	بالا بودن محبت به معلم	عشق و محبت به معلم بالاتر از محبت به پدر و پایین‌تر از محبت به خداوند است (ک ۳).	
	ارتباط در محبت	خوشحالی از دیدار دوست	آثار شادمانی در حرکات و سکنات وی هنگام ملاقات با او آشکار و ظاهر باشد به محبت قلبی اکتفا نکنند (ک ۳).
		جلب محبت دیگران	انسان می‌تواند با صداقت خویش، محبت افراد غریب و کسانی را که با آنها سابقه دوستی ندارد جلب کند (ک ۳).

همان‌گونه که در جدول (۷) آمده است از جمله مقوله‌های اصلی در آرای خواجه نصیر در خصوص اصل تربیت عاطفی شامل اصل مهر بوده است.

در شکل (۲) الگوهای تربیت اجتماعی و عاطفی از نظر خواجه نصیر آمده است.



شکل ۲- اصول تربیت اجتماعی و عاطفی از دیدگاه خواجه نصیر

جدول ۸- مقایسه آرای خواجه نصیر و فارابی درباره اصول تربیت اجتماعی و عاطفی

فارابی	خواجه نصیر	اصول تربیت اجتماعی
*	*	اصل همگانی بودن آموزش
		اصل بقا
		اصل کرامت ذات انسان
		اصل پیرایش محیط
		اصل مسئولیت اجتماعی
		اصل تاثیر متقابل
*	*	اصل جامعه محوری تربیت
		اصل مساوات
		اصل جمع نیا و آخرت
		لزوم همراهی علم و عمل
	*	اصل تدریج
*	*	اصل تفاوت فردی
		اصل توجه به همه ی ابعاد وجود
		اصل فعالیت
	*	اصل اجتماعی شدن
	*	اصل حقوق شهروندی
*		اصل کمال طلبی
		اصل نیازهای اساسی
		اصل ارتباط
فارابی	خواجه نصیر	اصول تربیت عاطفی
*	*	اصل محبت

همان‌گونه که در جدول (۸) آمده است در خصوص نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فارابی و خواجه نصیر طوسی در خصوص اصول تربیت اجتماعی می‌توان گفت که هر دو اندیشمند در خصوص اصل همگانی بودن آموزش و اصل تفرد (تفاوت‌های فردی) در باب تربیت اجتماعی دارای وجه اشتراک بوده‌اند. اصل جامعه محوری تربیت در میان، خواجه نصیر و فارابی، اصل فعالیت و اصل مسئولیت اجتماعی در میان فارابی و ابن سینا دارای اشتراکاتی است.

همچنین در مورد نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فارابی و خواجه نصیر طوسی در خصوص اصول تربیت عاطفی نیز با توجه به جدول (۸) باید گفت هر دو اندیشمند در باب اصل محبت در تربیت عاطفی دارای وجه تشابه می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با درک لزوم شفاف نمودن دیدگاه‌های تربیتی فارابی، و خواجه نصیر در خصوص تربیت اجتماعی و عاطفی که در شکل‌گیری ایده‌های تربیتی بعد از خود موثر بوده‌اند می‌پردازد. یافته‌ها نشان داد که:

یکی دیگر از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به‌روست، مسئله تربیت عاطفی است. عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است و به این سبب، تربیت عاطفی به عنوان مسئله‌ای مطرح است که نقطه‌ی عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه‌ی عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد. با این حال، می‌توان گفت رشد و تکامل عاطفی یا هیجانی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع محیط تأثیر فراوان دارد و حتی یادگیری فراگیر نیز از حالات عاطفی تأثیر می‌پذیرد. با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر در اثر تزلزل نظام‌های ارزشی و انحلال مبانی فطری، مورد تهدید قرار گرفته و جامعه بشری با بحران‌ها و ستم‌های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه شده است. اهمیت بررسی عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده مضاعف می‌گردد. هر چند این مهم در نظام‌های تعلیم و تربیتی کمتر ارائه شده و این خود سبب چالش‌هایی در حوزه

تعلیم و تربیت شده و کمتر توجه همه را به تربیت عاطفی جلب کرده است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که تربیت اجتماعی و عاطفی در جامعه بروز و ظهور دارد و بدون وجود بستر و زمینه‌ی مناسب، زحمات مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بی‌نتیجه می‌ماند. در این میان دلسوزی و تلاش اندیشمندان و صاحب‌نظران و فلاسفه قابل تقدیر است. تقریباً همه مکاتب و دیدگاه‌های فکری، بخشی از توجه خویش را به تربیت معطوف داشته‌اند. یکی از راه‌های شناخت میزان کارآمدی هر دیدگاه می‌تواند نوع نگاه آن به ارکان این موضوع از جمله مبانی، اصول و اهداف تربیت باشد. پی بردن به وجه اشتراک و رفع وجوه افتراق تا حد ممکن از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه‌ی مبادلات علمی و تقریب دیدگاه‌های تربیتی جوامع مختلف را فراهم سازد؛ چه اینکه ابنای بشر همواره باید در صدد سهیم شدن در عقول یکدیگر باشند و گوهر گرانبه‌های وقت را صرف تامل و تفکر برای گره‌گشایی در کارهایی کنند که هنوز توسط دیگران گشوده نشده است؛ لذا اطلاع از دیدگاه‌های گوناگون تربیتی در ابعاد مختلف، می‌تواند به این مهم کمک کند.

در این راستا فلاسفه مهم‌ترین نقش را در تدوین مکاتب ایفا کرده‌اند. آنان با ارائه نظام خاصی که برگرفته از چگونگی تفکرشان به جهان هستی و انسان بوده است در صدد تبیین آرای تربیتی خود برآمده‌اند. در حقیقت فلاسفه با ارائه آرای تربیتی - آموزشی خود و اهداف و غایات آن و نیز با به‌چالش کشیدن اندیشه‌های تربیتی دیگر، همواره موثرترین عامل بر روند تربیت بوده‌اند به گونه‌ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش روش‌های آموزشی باید برخی از بنیان‌های فلسفی را پذیرفت. خصوصاً آن متفکرانی که با آراء و اندیشه‌های خود سنگ بنای تمدن اسلامی را استحکام بخشیدند و از آن جمله است، فارابی، خواجه نصیر طوسی که با اندیشه‌های انقلابی خود پیشوای تحولی شگرف در افکار فلسفی، دینی و عرفانی بشمار می‌آید. تحولی که بعد از گذشت نهمصد سال هنوز هم نظر متفکران غرب و شرق را بخود معطوف داشته است. همچنین با توجه به زمان زیست این اندیشمندان این تحقیق نشان داد که طی این مدت، آموزش و پرورش و فرهنگ ما تا چه اندازه، متحول شده و پیشرفت نموده است. همچنین بررسی آراء این صاحب‌نظران ما را با نحوه آموزش و نظام آموزشی در ایران

آخرت می باشد و توجه به آخرات گرایي در قالب محتوای آموزشی به آنها آموزش داده شود.

۹- با توجه به اصل تدریجی بودن پیشنهاد می‌گردد که محتواهای آموزشی و تربیتی برای کودکان متناسب با رشد و مراحل رشدی آنها صورت گیرد.

گذشته آشنا ساخت و از آن جا که این آراء نشأت گرفته از فرهنگ ما و متناسب با آن می باشد، می تواند مددکار دست اندرکاران تعلیم و تربیت باشد، گرچه این نظریات از قدمت تاریخی برخوردار است و در عصر حاضر نیز تغییرات و تحولات وسیعی در زمینه تعلیم و تربیت صورت گرفته است، با این وجود، تا حد زیادی قابل تطبیق با نظریات جدید است و می توان، در غنی سازی محتوا و روش تربیت از آن بهره گرفت.

پیشنهادهای بر اساس یافته های پژوهش

۱- با توجه به اصل همگانی بودن آموزش پیشنهاد می-گردد شرایطی فراهم شود تا همه افراد به آموزش و پرورش رایگان دسترسی داشته باشند.

۲- پیشنهاد می‌گردد که در محتوای کتب آموزشی توجه به فرزندآوری و بقای نسل پرداخته شده و با توجه به مشکلات موجود و پیش روی جامعه از کودکی این مهم در قالب محتواهای درسی و کارگاه های آموزشی برای نوجوانان و جوانان فرهنگ سازی گردد.

۳- پیشنهاد می‌گردد به کودکان و نوجوانان از همان پایه‌های ابتدایی به حفظ کرامت ذاتی انسان و لزوم رعایت حقوق ذاتی آنها آموزش های لازم داده شود.

۴- از آنجایی که نتایج نشان دهنده تاثیر محیط بر انسان است بر ایجاد محیط‌های اجتماعی سالم و حفظ آن تاکید می‌گردد.

۵- مسئولیت اجتماعی یکی از ضروریات زندگی اجتماعی و جامعه می باشد. لذا تربیت فرزندان و کودکان بر اساس اصل مسئولیت اجتماعی و مسئولیت پذیر کردن آنها در قالب محتوای آموزشی باید مورد توجه مسولین امر قرار گیرد. همچنین لزوم توجه و آموزش در خصوص پرورش مسئولیت شاگردان نسبت به بیت المال.

۶- بر اساس یافته های این تحقیق و بر اساس اصل تاثیر متقابل افراد بر یکدیگر و اصل ارتباط پیشنهاد می‌گردد تا مهارت‌های ارتباطی به کودکان در قالب مهارت‌های زندگی آموزش داده شود.

۷- با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌گردد کودکان و نوجوانان با واژه های عدالت و مساوات آشنا شده و آنها را در خود نهادینه نمایند.

۸- پیشنهاد می‌گردد با توجه محتوای دین ، به کودکان آموزش داده شود که خوشبختی و سعادت واقعی در

منابع :

کبیر، یحیی(۱۳۸۴). بررسی مبانی فلسفه تعلیم و تربیت در آراء افلاطون، مجله فلسفه دین، ۱(۳): ۱۶۱-۱۸۸.
گلستانی، سید هاشم(۱۳۹۲) واکاوی آراء تربیتی فارابی
موسس فلسفه اسلامی، گروه علوم تربیتی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی.
ندایی، هاشم؛ کوهستانی، رضا(۱۳۹۱). بررسی تطبیقی آرای تربیتی ابو حامد محمد غزالی و آگوستین قدیس، پژوهش و مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱(۱۴): ۵۵-۷۴.

Atik Wartini(2015). Education Character in View of Al-Ghazali and its relevance With the Education Character in Indonesia Sunan Kalijaga State Islamic University of Yogyakarta, Indonesia.

Arifin Zainul(2018). Al-Ghazali's Thought of Islamic Education And it's Relevance with the Modern Education. *Khalifa Journal of Islamic Education*, 2(1): 1-14-39.

Taj,A,Milburn,M, Nabil(2017). Al-Ghazali Prospects: the quarterly review of comparative education. Paris, UNESCO: International Bureau of Education, p. 519-542.

ایران شهری، بهرام(۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای دیدگاه های تربیتی رسو، کانت و فارابی، دومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین علوم و تکنولوژی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

جواهر فروش، عبدالرحمان(۱۳۹۲). آراء تربیتی غزالی، کیهان اندیشه، ۱(۵۲): ۱۷-۲۵.

زیبا کلام، فاطمه(۱۳۹۶) تعلیم و تربیت در فلسفه ابن سینا و مقایسه با فلسفه اثباتگرایی و عملگرایی، تهران: پگاه حوزه.

شریعتمداری، علی(۱۳۹۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.

شکوهی، غلامحسین(۱۳۷۳). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.

فرمیهنی فراهانی، محسن؛ فقیهی، علی نقی؛ نجفی، حسن(۱۳۹۲). بررسی روش های کاربردی تدریس در نظام تعلیم و تربیت حکیم ابونصر فارابی. همایش روش های کاربردی در اسلام. دانشگاه سیستان و بلوچستان.